باهنر در گفت‌وگو با «شرق»:
باید بسوزیم و بسازیم

طاهره ریاحی

محمدرضا باهنر سیاستمداری است که اطرافیانش می‌گویند بر سر مواضع اصولگرایانه خود پافشاری می‌کند و از این خط تخطی نکرده است. او از دوره دوم مجلس زمانی که حوالی ۲۷سالگی بود، تاکنون در بهارستان حضور داشته است. باهنر خود معتقد است در عرصه سیاسی کشور نقشی مؤثر داشته است. او در سپهر سیاسی ایران نامی آشناست. او برادر محمدجواد باهنر نخست‌وزیر سابق کشور است و جایگاه آموزش در عالم سیاست را وامدار برادر شهیدش می‌داند. باهنر از منتقدان دولت احمدی‌نژاد است اما دایی سیدمجتبی ثمره‌هاشمی دستیار رییس دولت هم هست. آن‌طور که خودش می‌گوید بیشترین بحث‌ها را با رییس دولت داشته است. با او درباره مسایل مختلف گفت‌وگو کردیم هرچند او به عنوان یک سیاستمدار باتجربه برخی از سوالات ما را بی‌پاسخ گذاشت یا با مهارت از آنان عبور کرد و پاسخگویی را به زمانی دیگر موکول کرد و فضا را برای پاسخگویی به محورهای مورد نظر «شرق» مناسب ندید.

■ جایگاهتان را در عرصه سیاست ایران چطور تعریف می‌کنید؟

نمی‌دانم؛ من فعلاً نایب‌رییس مجلس هستم اما به هرحال در سیستم تصمیم‌گیری کلان کشور عموماً یک چهره تشکیلاتی به حساب می‌آیم. سعی کردم اصول و ضوابط تشکیلات را رعایت کنم. تقریباً تمام عمرم را بعد از انقلاب در مجلس گذراندم و الان یک رنج قرن از حضور من در مجلس می‌گذرد. قاعدتاً در تصمیم‌گیری‌های کلان نقش‌آفرینی هستم. حالا شاید این تصمیم‌گیری‌های کلان در جامعه و رسانه‌ها بیشتر به عنوان نقش سیاسی برداشت شود. در حالی که در گیری‌های من در مسایل و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خیلی صریح‌تر از سیاسی است.

■ اقتصاد و سیاست را از هم جدا می‌دانید؟

بعضا نمی‌توان ایتها را از هم تفکیک کرد. اصولا سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی هم می‌تواند اقدام سیاسی تعریف شود اما اگر بخواهم خلاصه بگویم ظرف این ۵۷سال که در مجلس بودم شاید چهار یا پنجسال اول، یک مقدار محتاط بودم و در تصمیم‌گیری‌های مهم وورد پیدا نکردم اما شاید اغراق نباشد. یکوقتی در ۱۳۶۰ از قوانین بودجه‌ای که در کشور بررسی و تصویب شده است نقش موثری داشتم؛ به این صورت که با عضو مؤثر کمیسیون تلفیق بودجه بودم با رییس کمیسیون یا نایب‌رییس کمیسیون و همزمان مدیریت جلسات سنگین مجلس را هم به عهده داشتم. در پنج برنامه توسعه به استثنای برنامه چهارم که در مجلس ششم تصویب شد و من نبودم، جزو عناصر موثر بودم. یا رییس کمیسیون تلفیق برنامه بودم مثل برنامه پنجم یا عضو فعال کمیسیون بودم مثل برنامه اول. در همه این برنامه‌ها قاعدتاً نقش موثری داشته. این را به این جهت توضیح دادم که روشن شود بحث‌های ما صرفا بحث سیاسی نیست و بیشتر برنامه‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی است.

■ جایگاه امروزتان حامل تلاش‌های محمدرضا باهنر؟ است یا وامدار نام و عملکرد شهید باهنر؟

خودم را وامدار شهید باهنر می‌دانم، مخصوصا شروع کار بنده. من کاندیدای نمایندگی مجلس شدم شدم در همان زمان معاون استاندار کرمان بودم.

■ چند سال داشتید؟

۲۷ یا ۲۸سال. آن موقع حداقل سن نمایندگی ۲۵سال بود بعدا وارد شوم. رشته کاری‌ام چیز دیگری بود. مهندس بودم اما اینکه توانسته‌ام دینم را به مردم و جامعه اما کنم یا نه قضاوتش بر عهده افکار عمومی است.

■ گفتید ۲۵سال در مجلس حضور داشتید در طول این مدت آیا مجلس در رأس امور بود یا نه؟

متفاوت بود. همیشه می‌گویند احترام امام‌اره به متولی‌اش است. البته وظیفه ما بود که تعامل سازنده‌ای با بقیه قوا داشته باشیم بعضی ترجمه در رأس امور بودن را به این تفسیر می‌کنند که مثلا حاکم علی‌الاطلاق باشد. من این برداشت را ندارم و فکر می‌کنم قوا در ضمن اینکه یکسری وظایف متفاوت دارند اما عمده کارشان باید هم افزایی و همگرایی باشد و در این زمینه خیلی تلاش کردیم. بعضی جاها بالاخره با مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شدیم و الان هم روبه‌رو هستیم. اینها را هم باید با سرپنجه تدبیر حل کرد. بعضی جاهایی هست که نمی‌توان کارهای سخت و جدی و خشن و قاطع انجام داد. شاید بعضی‌ها بگویند این مثل مثل مع‌الفارق است اما فکر می‌کنم وقتی مجلس می‌خواهد وزیری را استیضاح کند، من برای اینکه مثال عامیانه‌ای بتوانم بزنم می‌گویم استیضاح مثل طلاق است. یعنی اگر خانواده‌ای دنبال طلاق باشد هر روز بهانه‌ای پیدا می‌کند. هم زن بهانه پیدا می‌کند هم مرد اما اصلا قرار بر طلاق نیست قرار بر کوتاه آمدن و همگرایی و سازش و تفاهم است.

■ تا کجا؟

تا زمانی که طلاق بشود.

■ می‌خواهم بدانم این آستانه تحمل تا کجاست؟

من برعکس نگاه می‌کنم، می‌خواهم وارد زندگی شخصی‌ام بشوم. من تا به حال سه تا دخترم را شوهر داده‌ام و تقریبا یکی از سوالات تکراری من از خوشگزران این است که می‌پرسم برای تو طلاق چه قیمتی دارد؟ یعنی لو باید قیمت طلاق را مشخص کنیم بعد ببینیم مقرون‌به‌صرفه هست یا سازش. یا رییس‌مجلس را در آن جلسه به چاه و رسانه‌ها بیشتر به عنوان نقش سیاسی برداشت شود. در حالی که در گیری‌های من در مسایل و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خیلی صریح‌تر از سیاسی است.

■ اقتصاد و سیاست را از هم جدا می‌دانید؟

بعضا نمی‌توان ایتها را از هم تفکیک کرد. اصولا سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی هم می‌تواند اقدام سیاسی تعریف شود اما اگر بخواهم خلاصه بگویم ظرف این ۵۷سال که در مجلس بودم شاید چهار یا پنجسال اول، یک مقدار محتاط بودم و در تصمیم‌گیری‌های مهم ورود